



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.  
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir) مراجعه فرمایید.

## سیاست (فقه)

[اصلاح](#) و [تدبیر](#) (اداره امور) [کشور](#) در ابعاد مختلف [سیاسی](#)، [فرهنگی](#)، [اقتصادی](#) و [نظامی](#) را سیاست گویند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - [سیاست در لغت](#)
- ۲ - [سیاست از دیدگاه صاحب نظران](#)
- ۳ - [سیاست در کتب فقهی](#)
- ۴ - [سیاست در ابواب فقهی](#)
- ۵ - [ضرورت حکومت](#)
- ۶ - [شئون حکومت](#)
  - ۶.۱ - [قانون گذاری](#)
    - ۶.۱.۱ - [قوانین مندرج در متن کتاب و سنت](#)
    - ۶.۱.۲ - [احکام حکومتی و ولایی](#)
  - ۷ - [منابع قانون گذاری](#)
  - ۸ - [مجری قانون \(حاکم، ولی امر\)](#)
  - ۹ - [منصب قضاوت](#)
  - ۱۰ - [پانویس](#)
  - ۱۱ - [منبع](#)

### سیاست در لغت

مفاد سیاست در معنای لغوی، تدبیر، اصلاح و تربیت است؛ از این رو، در معانی امر و نهی کردن مردم، [ریاست کردن](#)، [حکم راندن](#)، [مصلحت اندیشیدن](#)، [کیفر دادن](#)، [تربیت و ادب کردن](#)، [تمرین دادن حیوانات](#)، به [اصلاح چیزی](#) [همت](#) گماردن و [نگاهداری](#) و [جر است](#)، به کار رفته است.

[۱] [العین](#)، واژه «سوس» ج ۷، ص ۳۳۶.

[۲] [لسان العرب](#)، واژه «سوس» ج ۶، ص ۱۰۸.

[۳] لغت نامه دهخدا.

[۴] [مرآة العقول](#) ج ۳، ص ۱۵۰.

### سیاست از دیدگاه صاحب نظران

[مفهوم](#) سیاست از دیدگاه [صاحب نظران علم سیاست](#) چندان روشن نیست و همه تعریفهایی که از این [واژه](#) شده، [نسبی](#) است و هر کدام ناظر به یک یا چند بُعد آن است و همین مسئله [مفهوم](#) [سیاست](#) را در ردیف [مفاهیم پیچیده](#) و [دشواری](#) قرار داده است. علت پیچیدگی و دشواری آن، یکی فزونی مباحث و [موضوعات](#) گوناگونی است که با سیاست پیوند خورده است، و دیگری شمول و فراگیری سیاست نسبت به همه افراد و گروههای [جامعه بشری](#) است. بدیهی است موضوع مطالعه و پژوهش هر اندازه گسترده و [اجزاء](#) و [أحاد](#) گوناگون آن، پراکنده و ناهمگون باشد، ارائه [تعریف جامع و فراگیر](#) نسبت به همه [مصادیق](#) آن، دشوارتر خواهد بود.

[۵] [مبانی سیاست](#) ج ۱، ص ۶-۷.

تعریف سیاست به [اداره کشور](#)

[۶] [الفقه \(السیاسة\)](#) ج ۱۰۵ ص ۳۹.

[۷] [مبسوط در ترمینولوژی حقوق](#) ج ۳، ص ۲۲۲۰.

یا امور مرتبط با اداره کشور و [ارتباط](#) آن با [خارج](#)،

[۸] [فرهنگ بزرگ سخن](#).

هر چند تعریفی به نسبت جامع، یا جامع‌ترین تعریفها است، لیکن حدود این تعریف روشن نیست و هر صاحب نظری از نگاه خود می‌تواند بر گستره آن بیفزاید یا آن را **محدود** کند. [الفقه \(السیاسة\) ج ۱۰۵، ص ۳۹.](#)

## سیاست در کتب فقهی

در **کتب** و **ابواب فقه** بابی مستقل به سیاست **اختصاص** نیافته است؛ لیکن برخی فقها کتابی مستقل در موضوع سیاست یا برخی شئون مربوط به آن نگاشته‌اند، مانند «تنبيه الامة و تنزيه الملة» نوشته **میرزای نائینی** (م. ۱۳۵۵ ه. ق)، «قاطعۃ اللجاج» نگاشته **محقق کرکی** (م. ۹۴۰ ه. ق)، «ولایت فقیه» اثر **امام خمینی** (م. ۱۴۰۹ ه. ق)، «الفقه، السياسة» نگاشته **سید محمد شیرازی** (م. ۱۴۲۲ ه. ق) و «دراسات فی ولایة الفقیه» نوشته **حسینعلی منتظری** (م. ۱۴۳۱ ه. ق).

## سیاست در ابواب فقهی

البته گرچه در **کتب فقهی** بابی مستقل تحت عنوان سیاست نیامده است، لیکن ابواب قابل توجهی از **فقه**، از جهت گوناگون مرتبط با سیاست است، مانند **بایهای قضاء**، **اقرار**، **شهادت**، **صلح**، **حدود** و **تعزیرات**، **قصاص**، **دیت**، **جهاد**، **امر به معروف و نهی از منکر**، **سب و رمایه**، **خمس** و **زکات**.

## ضرورت حکومت

**اندیشمندان** هر **امت** و ملتی بر این باورند که **قوام نظام هستی** و **بقا** و **استمرار زندگی بشر** در **گرو حکومت** است؛ چه **حکومت حق** و چه **باطل**؛ [الفقه \(الامة\)، ص ۳۹.](#)

چنان که **امیر مؤمنان**، **علی** علیه السلام می‌فرماید: «**مرم** نیازمند امیرند؛ چه **نیک** و چه **بد**». [بجاء الأنوار ج ۳۲، ص ۳۵۸.](#)

## شئون حکومت

**شئون حکومت** در دو **حوزه کلی** قابل طرح است: **حوزه قانون گذاری** و **حوزه اجرا**.

### ← قانون گذاری

وجود **قانون** برای **بشر** یک **ضرورت** است؛ زیرا **انسانها** در **تعاملات اجتماعی** با یکدیگر و اصطکاکها و **اختلافات** ناشی از **خواستهای درونی** در مقام ارضای آنها، نیازمند قوانینی هستند که **حد** و **مرز حق** و **تکلیف** هر فرد را مشخص کند و کسی نتواند از آن فراتر گام نهد. شکی نیست که **حق قانون گذاری** (**تشریح قانون**) از آن **خدای متعال** است که **آفریننده هستی** و **روزی دهنده مادی** و **معنوی بندگان** خود و دانای به **مصلح و مفسد واقعی** آنان و **توانای علی الاطلاق** است. بنابراین، جز او کسی - حتی **اجماع احاد یک جامعه** یا همه انسانهای روی زمین - **حق اعتبار و انشاء امر و نهی** ندارد و نمی‌تواند **قانون آفرین** باشد. [الفقه و حقوق و سیاست در قرآن، ص ۹۹.](#)

### ← قوانین مندرج در متن کتاب و سنت

از دیدگاه **اسلام**، **قوانین** دو گونه‌اند: نخست قوانینی که در **متن کتاب** یا **سنت** معتبر آمده است. این نوع قوانین، **ثابت** و تغییرناپذیرند که خود بر دو قسم است: قسم نخست به طور مستقیم از **جانب خداوند متعال** وضع شده است و قسم دوم قوانینی است که **خداوند متعال**، **حق وضع و تشریح** آنها را به **پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله** و دیگر **معصومان** علیهم السلام عطا کرده است؛ چنان که مفاد برخی **روایات** چنین است.

### ← احکام حکومتی و ولایی

نوع دوم، **قوانین جزئی**، **موقت** و **موردی** است که در **متن کتاب و سنت** نیامده و از آنها به **احکام حکومتی و ولایی** تعبیر می‌شود. شکی در **ثبوت** حق وضع چنین قوانینی برای **معصومان** علیهم السلام نیست؛ لیکن در باره غیر **معصوم**؛ یعنی **فقیه جامع شرایط**، همچنین **حدود** و موارد آن، دیدگاههای مختلفی وجود دارد.

## منابع قانون گذاری

**اصولیان شیعه** از چهار **دلیل** یا **منبع** به عنوان **ادله چهارگانه**، که قوانین از آنها به دست می‌آید، نام می‌برند که عبارتند از **کتاب**، **سنت**، **اجماع** و **عقل**.

بدون شک، **حاکم حقیقی** و علی الاطلاق تنها **خدای متعال** است و همه **هستی** مقهور **قدرت** و تحت **اراده** و **مشیت** او است و هیچ امری در **عالم هستی** رخ نمی‌دهد مگر به **اذن** و اراده او. از آنجا که **ذات حق تعالی** برتر از **وهم** و **درک بشر** است و دسترسی به آن غیر ممکن می‌باشد و نیز برای انسانها، **دریافت وحی** و آگاهی از **قوانین الهی** بدون واسطه مقدور نمی‌باشد، خداوند متعال در میان **خلق** برای خود جانشینانی برگزیده تا **مجری احکام و قوانین الهی** در میان **بشر** باشند و مردم آن **احکام** را از ایشان دریافت کنند. این جانشینان، همان **پیامبران** و **اوصیای** آنان علیهم السلام هستند. البته عرصه **اجرای قانون**، دو حوزه مدیریت و رهبری جامعه و قضاوت و داوری است. در هر دو حوزه، مجری، پیامبر یا جانشین او است. از این رو، **امام صادق** علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «حکومت از آن **نبی** یا **وصی نبی** است.» **امیر مؤمنان** علیه السلام خطاب به **شریح قاضی** فرمود: «ای **شریح** تو در مقامی نشستهای که جز **نبی** یا **وصی نبی** و یا **فرد شفی** (**منحرف** و **غاصب** این **مقام**) در این **جایگاه** نمی‌نشیند.»

[۱۳] **الکافی** (کلینی) ج ۷، ص ۴۰۶.

#### منصب قضاوت

بر اساس **روایت** متعدد، **منصب قضاوت** برای **فقیه جامع شرایط** **ثابت** است؛ لیکن در حوزه **مدیریت جامعه در عصر غیبت**، دیدگاههای مختلفی وجود دارد که در جای خود بدانها اشاره خواهد شد.

بنابر آنچه بیان شد **حاکم** یا **قاضی** باید **منصوب** و یا **مأذون** از جانب **خدای متعال** باشد.

[۱۴] **حقوق** و سیاست در قرآن، ص ۲۲۷.

[۱۵] **حقوق** و سیاست در قرآن، ص ۲۴۶.

#### پانویس

۱. [↑](#) العین، واژه «سوس» ج ۷، ص ۳۳۶.
۲. [↑](#) لسان العرب، واژه «سوس» ج ۶، ص ۱۰۸.
۳. [↑](#) لغت نامه دهخدا.
۴. [↑](#) مرآة العقول ج ۳، ص ۱۵۰.
۵. [↑](#) مبانی سیاست ج ۱، ص ۶-۷.
۶. [↑](#) الفقه (السیاسة) ج ۱۰۵، ص ۳۹.
۷. [↑](#) مبسوط در ترمینولوژی حقوق ج ۳، ص ۲۲۲۰.
۸. [↑](#) فرهنگ بزرگ سخن.
۹. [↑](#) الفقه (السیاسة) ج ۱۰۵، ص ۳۹.
۱۰. [↑](#) تنبیه الأمة، ص ۳۹.
۱۱. [↑](#) بحار الأنوار ج ۳۳، ص ۳۵۸.
۱۲. [↑](#) حقوق و سیاست در قرآن، ص ۹۹.
۱۳. [↑](#) الکافی (کلینی) ج ۷، ص ۴۰۶.
۱۴. [↑](#) حقوق و سیاست در قرآن، ص ۲۲۷.
۱۵. [↑](#) حقوق و سیاست در قرآن، ص ۲۴۶.

#### منبع

[فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۴، ص ۵۶۷-۵۷۰.](#)

رده‌های این صفحه: [اندیشه سیاسی](#)